www.edcbmj.ir e-ISSN: 2345-5284

Education Strategies in Medical Sciences (ESMS)

Journal homepage: www.edcbmj.ir/en e-ISSN: 2345-5284

Baqiyatallah University of Medical Sciences

Designing a Curriculum Objectives Model Based on Educational Justice in Iranian Higher Education: Qualitative Research

Mahboobe Seyedi [1], Farzaneh Vasefian [2,*], Mehdi Keshavarzi [3]

[1] *Department of Educational Sciences, , Iranshahr Branch, Islamic Azad University, Iranshahr, Iran*
[2] *Department of Educational Sciences, Meymeh Branch, Islamic Azad University, Meymeh, Iran*
[3] *Department of Educational Sciences, , Iranshahr Branch, Islamic Azad University, Iranshahr, Iran*

**Corresponding author: Farzaneh Vasefian, Department of Educational Sciences, Meymeh Branch, Islamic Azad University, Meymeh, Iran*

Article Info

Keywords: *Higher education, Goals, Curriculum, Educational justice*

Abstract

Introduction: Higher education is one of the most important places that plays an important role in promoting educational justice. Although special strategies have been used by experts to establish educational justice, the existence of educational injustices indicates that many of these strategies have failed and the need to change attitudes and new educational strategies in the curriculum components by professionals is quite evident. Therefore, the purpose of this study was to design curriculum objectives based on educational justice in higher education.

Methods: This research was conducted in a qualitative manner using a strategy based on grounded theoty approach. The main method of data collection was semi-structured interviews. The research environment consisted of 13 experts in the field of curriculum and education using purposive sampling. In order to obtain the validity of the data, two methods of reviewing the participants and reviewing the non-participating experts in the research were used. The data analysis in three stages, open coding, axial coding and selective coding were done with the help of MAXQDA12 software.

Results: The findings indicated that the lack of fair attitude of officials in formulating the goals and content of higher education curriculum, as well as inattention to experts in the field of curriculum, higher education is not affected by the future needs of society and lack of needs assessment at the national level are hindering the development of educational justice in higher education.

Conclusion: In order to achieve educational justice in higher education, it is better to pay attention to the interests and talents of volunteers when deciding to formulate goals and review topics. Curricula should be related to the labor market, industry and trade, and education tailored to the needs of students and society. Pay special attention to the expertise of professors and consult all professors to develop a curriculum.

Copyright © 2020, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی
دوره ۱۴، شماره ۵، ۱۴۰۰
صفحات: ۸۴-۹۴

طراحی مدل اهداف برنامه درسی مبتنی بر عدالت آموزشی در آموزش عالی ایران: پژوهش کیفی

محبوبه سیدی[۱] ، فرزانه واصفیان[۲*]، مهدی کشاورزی [۳]

[۱]گروه علوم تربیتی ، واحد ایرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایرانشهر، ایران
[۲]گروه علوم تربیتی ، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه ، ایران
[۳]گروه علوم تربیتی ، واحد ایرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایرانشهر، ایران

*نویسنده مسوول: فرزانه واصفیان گروه علوم تربیتی ، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه ، ایران. ایمیل: Farzaneh_vasefian@yahoo.com

چکیده

مقدمه: آموزش عالی یکی از مهم ترین مکان هایی هست که در ترویج عدالت و آموزش آن نقش مهمی ایفا می کند.اگرچه استراتژی های خاصی برای برقراری عدالت آموزشی به وسیله متخصصان به کار گرفته شده است،اما وجود بی عدالتی های آموزشی،بیانگر آن است که بسیاری از این استراتژی ها،ناموفق بوده اندو نیاز به تغییر نگرش و استراتژی های جدید آموزشی در اجزای برنامه درسی توسط متخصصان،کاملا مشهود است.لذا هدف این پژوهش طراحی اهداف برنامه درسی مبتنی بر عدالت آموزشی در آموزش عالی می باشد.

روش‌ها: این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از راهبرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد انجام شد روش اصلی گردآوری اطلاعات،مصاحبه نیمه ساختار یافته بود.محیط پژوهش شامل ۱۳نفر ازمتخصصان حوزه برنامه درسی و تعلیم و تربیت بوده که با روش نمونه گیری هدفمند از نوع موارد مطلوب انتخاب شدند.برای بدست آوردن اعتبار و روایی داده ها از دو روش بازبینی مشارکت کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت کننده در پژوهش استفاده شد.نتایج تحلیل داده ها در طی سه مرحله،کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی با کمک نرم افزار MAXQDA12به مفاهیم مجزا تفکیک شدند.

یافته‌ها: یافته ها حاکی از آن است که عدم نگرش عادلانه مسوولین در تدوین اهداف و محتوای برنامه درسی آموزش عالی،همچنین بی توجهی به متخصصین حوزه برنامه درسی، متاثرنبودن آموزش عالی از نیازهای آینده جامعه و فقدان نیازسنجی در گستره ملّی،از جمله مواردی هستند که مانع توسعه عدالت آموزشی در آموزش عالی می شوند.

نتیجه‌گیری: برای رسیدن به عدالت آموزشی در آموزش عالی بهتر است هنگام تصمیم گیری برای تدوین اهداف و بازنگری سرفصلها به علائق و استعدادهای داوطلبین توجه شود،برنامه های درسی با بازار کار،صنعت و تجارت مرتبط شود و آموزش متناسب با نیازهای دانشجویان و جامعه باشد ،توجه ویژه به تخصص اساتید و نظرخواهی از همه اساتید برای تدوین برنامه درسی،صورت گیرد.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، اهداف، برنامه درسی، عدالت آموزشی

مقدمه

برنامه درسی یکی از مفاهیم حوزه تعلیم و تربیت است که در جهت دهی فعالیت های آموزشی و پرورشی مراکز،نقش مهم و تعیین کننده دارد.بسیاری از محققان و صاحب نظران چشم انداز جدید جسورانه ای را برای برنامه درسی، تدریس و یادگیری ارائه داده اند که همراه با تمرکز بر اهداف و محتوای اصلی، انعطاف پذیری و استقلال قابل ملاحظه ای برای اساتید و دانشجویان به وجود می آورد [۱] .از این روی تعیین ساختار مناسب نظام برنامه ریزی درسی و انتخاب و سازماندهی اهداف، یکی از مهمترین دغدغه های سیاست گذاران نظام های آموزشی بوده است .این موضوع در آموزش عالی اهمیتی مضاف می یابد زیرا برنامه درسی آموزش عالی، ابزار علمی و اجتماعی نیرومندی است که ضمن ترسیم چگونگی و حدود انتقال دانش و مهارتها، تجربه وسیع علمی برای دانشجویان محسوب می شود[۲] .در واقع دانشگاه به عنوان یک نهاد پیچیده فرهنگی و یک کانون هنجار محور به انتظام بخشی، اخلاقی و اجتماعی جامعه کمک می کند و در جهت بهبود کیفیت زندگی و حفظ پویایی و نشاط و برقراری و گسترش عدالت در جامعه برای خود مسئولیت قائل است[۳] . انطباق دانشگاهها با اصول عدالت، تردید و نگرانی در مورد نقض حقوق و آزادی را حذف می کند و در نتیجه، به دانشجویان کمک می کند احساس ارزشمند بودن کنند و به علاوه آن ها را به ادامه تحصیل تشویق می کند و به آن ها کمک می کند در رفتارهای فراتر از نقش رسمی که برای آنها تعریف می شود شرکت کنند[۴] . تحقق عدالت در آموزش، یکی از اهداف بسیار مهم و کلیدی در نظام های آموزشی سراسر دنیا است، زیرا آموزش مهم ترین سرمایه ای است که در دسترس همه مردم قرار دارد و بنیان همه تحولات در جامعه می باشد[۵] . پس از گذشت قرنها هنوز تعریف رسمی و جامعی از عدالت آموزشی که تمام جنبه های آن را دربر بگیرد وجود ندارد. از دلایل این اتفاق ، ممکن است این باشد که تحقیقات و سیاست های آموزشی با هدفی جز انگیزه های علمی انجام می شود[۶] . بر مبنای مطالعات نظری انجام شده هنگامی که از لزوم آموزش همه اعضای جامعه فارغ از جنسیت، نژاد، مذهب سخن به میان می آید، زمانی که وجود دانشگاه های مختلف با امکانات آموزشی بهتر، برای دانشجویان با سطح رفاه اقتصادی بالا را از چشم‌انداز عدالت، چالش برانگیز می‌بینیم، وارد مبحث عدالت آموزشی می شویم[۷] .مطالعه پژوهش های پیشین نشان داد که آموزش عالی از مهم ترین مکان هایی می باشد که در ترویج عدالت و آموزش آن نقش مهمی ایفا می کند. آموزش عالی عدالت محور به عنوان عنصری اساسی در تقویت فرهنگ عمومی و جامعه پذیر کردن افراد با موازین و هنجارهای عدالت و مهم ترین مؤلفه در ارتقا و تحقق آن در جامعه است[۸] . شناخت نظریه ها و تعاریف عدالت در فرآیند تعلیم و تربیت و هماهنگ کردن و هارمونی ایجاد کردن بین تعاریف و مفهوم عدالت در برنامه های درسی آموزش عالی، موجب ارائه ی تبیینی روشن و قابل دفاع از مفهوم مرکب عدالت آموزشی خواهد شد[۹] . برقراری عدالت آموزشی بیشتر مستلزم این است که حقوق و فرصت ها به گونه ای باشد که همه و نه تنها برخی از یادگیرندگان بتوانند بدون توجه به ویژگی های شخصیتی، پیشینه خانوادگی یا سطح فعلی انگیزه، از تجربه آموزش برابر بهره مند شوند[۶] . جهت گیری‌های نظریه پردازان در بحث عدالت آموزشی و نحوه توزیع امکانات آموزشی به دو بخش اساسی تقسیم می‌شود: الف: بعضی بر برابری آموزشی تاکید می‌کنند. ب: گروه دوم بر نیاز و شایستگی آموزشی اصراردارند و آن را بر برابری ارجح می‌دانند [۱۱، ۱۰] . اما فیلسوفان در این نکته مرددند که مرز روشنی میان برابری آموزشی و نیاز و شایستگی آموزشی ترسیم کنند [۱۲] . با توجه به این حقیقت که هر فرد در نظام آموزشی در معرض برنامه درسی قرار گرفته و با توجه به موارد پیش بینی شده در آن آموزش می بیند، اما با وجود بی عدالتی های آموزشی می توان اینگونه نتیجه گیری نمود که تدوین برنامه درسی بدون توجه به تاثیر عدالت آموزشی بر آن و تنها با هدف آموزش مفاهیم درسی انجام می شود.اگرچه استراتژی های خاصی برای برقراری عدالت آموزشی به وسیله متخصصان به کار گرفته شده است، اما وجود بی عدالتی های آموزشی، بیانگر آن است که بسیاری از این استراتژی ها، ناموفق بوده اند و نیاز به تغییر نگرش و استراتژی های جدید آموزشی توسط متخصصان،کاملا مشهود است[۱۳] . در چنین حالتی لازم است که در شیوه تدوین برنامه درسی تغییرات لازم به گونه ای اعمال گردد تا نتیجه این تغییرات به توسعه عدالت آموزشی منجر گردد. از آنجایی که تدوین اهداف برای برنامه درسی به دلیل انجام آن در مراحل اولیه و تاثیری که بر سرنوشت برنامه ریزی درسی دارد مولفه قابل ملاحظه ای به شمار می آید، این مولفه انتخاب گردید. چنانچه توسعه عدالت آموزشی در مرحله تدوین اهداف برای برنامه درسی در نظر گرفته شود و موانع پیش رو برای پیاده سازی تغییرات و هم چنین پیامدهای ناشی از آن به درستی شناسایی شوند می توان امید داشت که در افراد، قبل از اتمام تحصیل، تجربه و نگرش عادلانه شکل گرفته باشد و وقتی وارد اجتماع و بازار کار می شوند در صدد تحقق عدالت در جامعه نیز باشند، زیرا خودشان در طول دوران تحصیل طعم عدالت را چشیده اند. اما با مشاهده وضعیت دانشجویان کشور در برنامه درسی آموزش عالی متاسفانه عدالت آموزشی به عنوان یک ایده آل اخلاقی هنوز، کاملاً مورد بررسی قرار نگرفته. این تحقیق این خلاء پژوهشی را جدی می گیرد و در پی ایجاد پاسخی سازنده است. لذا هدف این پژوهش ارائه مدلی برای تدوین اهداف برنامه درسی مبتنی

بر عدالت آموزشی در آموزش عالی می باشد. با توجه به این هدف، سوالات پژوهش به شرح زیر است:

چه موانعی در تدوین اهداف برنامه درسی آموزش عالی برای ارتقای عدالت آموزشی وجود دارد؟

چه استراتژی ها و راهبردهایی در تدوین اهداف برنامه درسی آموزش عالی موجب توسعه عدالت آموزشی می شود؟

پیامدهای حاصل از طراحی اهداف برنامه درسی آموزش عالی مبتنی بر عدالت آموزشی چه خواهد بود؟

آیا می توان مدلی را برای تدوین اهداف مبتنی بر عدالت آموزشی در آموزش عالی طراحی نمود؟

روش

این پژوهش، پژوهشی کیفی است که در آن با استفاده از رویکرد نظریه داده بنیاد، اهداف برنامه درسی مبتنی بر عدالت آموزشی در آموزش عالی، مورد بررسی قرار گرفت و الگوی مفهومی ارائه شد. رویکرد نظریه داده بنیاد یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه های گوناگون امکان می دهد تا به جای اتکا به نظریه های موجود و از پیش تدوین شده خود به تدوین نظریه و گزاره اقدام کنند.این نظریه ها و گزاره ها به صورت نظام مند و بر اساس داده های واقعی تدوین می شود[۱۴] .در واقع رویکرد نظریه ،داده بنیاد روشی است برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که پیش از این در مورد آنها پژوهش جامع و عمده ای انجام نشده است و دانش کنونی در آن زمینه محدود است[۱۵] . در این پژوهش برای نخستین بار تلاش شد تا برنامه درسی مبتنی بر عدالت آموزشی طراحی شود لذا تنها داده های مورد استفاده در این تحقیق نظرات افراد است که در خلال جلسات مصاحبه جمع آوری شدند. محیط پژوهش شامل متخصصان حوزه برنامه درسی و تعلیم و تربیت کل کشور بوده که در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ مشغول به تدریس بودند. با توجه به لزوم بهره گیری از افراد مطلع و صاحبنظر، تعداد ۱۳ مورد با روش نمونه گیری هدفمند از نوع موارد مطلوب انتخاب شدند(مطابق جدول شماره ۱). هدف پژوهشگر انتخاب مواردی بود که با توجه به هدف پژوهش ، سرشار از داده بوده و پژوهشگر را در شکل دادن مدل نظری خودیاری دهند و این کار تا جایی ادامه یافت که طبقه بندی مربوط به داده ها ، اشباع و نظریه مورد نظر با تمام جزئیات و با دقت تشریح شد.

جدول ۱. مطالعات جمعیت شناسی مشارکت کنندگان

مورد	جنسیت	مدرک تحصیلی	حوزه تخصصی	سابقه شغلی	مرتبه علمی	دانشگاه محل فعالیت
مصاحبه شونده شماره ۱	مرد	دکترا	فلسفه تعلیم و تربیت	۲۰ سال	دانشیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
مصاحبه شونده شماره ۲	مرد	دکترا	برنامه ریزی درسی	۲۰ سال	دانشیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
مصاحبه شونده شماره ۳	مرد	دکترا	برنامه ریزی درسی	۲۸ سال	استاد	دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
مصاحبه شونده شماره ۴	زن	دکترا	برنامه ریزی درسی	۱۴ سال	استادیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان
مصاحبه شونده شماره ۵	مرد	دکترا	برنامه ریزی درسی	۲۷ سال	دانشیار	دانشگاه شهید رجایی
مصاحبه شونده شماره ۶	مرد	دکترا	برنامه ریزی درسی	۲۲ سال	دانشیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
مصاحبه شونده شماره ۷	مرد	دکترا	برنامه ریزی درسی	۱۵ سال	دانشیار	دانشگاه تهران
مصاحبه شونده شماره ۸	مرد	دکترا	برنامه ریزی درسی	۱۵ سال	دانشیار	دانشگاه علامه طباطبایی
مصاحبه شونده شماره ۹	زن	دکترا	برنامه ریزی درسی	۱۷ سال	استادیار	دانشگاه علوم پزشکی نیکشهر
مصاحبه شونده شماره ۱۰	مرد	دکترا	برنامه ریزی درسی	۲۳ سال	دانشیار	پژوهشکده وزارت آموزش و پرورش
مصاحبه شونده شماره ۱۱	مرد	دکترا	برنامه ریزی درسی	۲۳ سال	استاد	دانشگاه علامه طباطبایی
مصاحبه شونده شماره ۱۲	مرد	دکترا	برنامه ریزی درسی	۹ سال	استادیار	آموزشکده سما واحد مرودشت
مصاحبه شونده شماره ۱۳	مرد	دکترا	برنامه ریزی درسی	۲۴ سال	دانشیار	دانشگاه علامه طباطبایی

روش اصلی گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که پس از تنظیم وقت مصاحبه با افراد، ابتدا توضیحاتی درمورد هدف تحقیق بیان شد و سپس فرایند مصاحبه را آغاز و ضمن کسب اجازه از مصاحبه شوندگان، تمام جلسات ضبط و بر پایه این مدارک متن مصاحبه ها پیاده شد تا در وقت مناسب، اطلاعات فراهم آمده از مصاحبه ها کد گذاری شود. شیوه مصاحبه به این صورت بود که ابتدا پژوهشگر با طرح 3 سوال کلی متناسب با هدف تحقیق، به موضوع جلسه وارد شده و با استفاده از پاسخ های داده شده توسط مصاحبه شونده سوالات بعدی پرسیده شد. مصاحبه ها به صورت فردی برگزار گردید و مدت هر مصاحبه بین یک تا یک و نیم ساعت بوده است.فرآیند مصاحبه ها پس از کسب اطمینان از اشباع نظری در بخش مطالب به دست آمده از مصاحبه های انجام شده و تکراری شدن مطالب ذکر شده، متوقف گردید. برای تعیین اعتبار مصاحبه‌ها ، از روش چک کردن به وسیله مشارکت کنندگان و یا بازسازی واقعیت برای اطمینان از صحت مطالب ، استفاده شد و متن پیاده شده مصاحبه ها، تفسیرها و نتایج، جهت کنترل برای شرکت کنندگان ارسال و از سوی آنها مورد تایید قرار

گرفته شد.برای برآورد پایایی، از روش سه سوسازی استفاده شد؛ به زعم ولکات (۱۹۹۰) روش سه سویه سازی، شامل تکنیک-هایی است که محقق از آنها برای تکمیل و تایید اطلاعات خود، در جهت افزایش اطمینان پذیری تحقیق، استفاده می کند [۱۶] .در این پژوهش، سعی بر این بود که بدون ایجاد حساسیت در مصاحبه شونده ،از انحراف موضوع جلسه جلوگیری شود. در این راستا، چک لیستی از سوالات مصاحبه تهیه شد که مبنای تشخیص پایایی مصاحبه مد نظر قرار گرفت. پس از برگزاری نخستین مصاحبه، تحلیل اولیه نتایج انجام و نتیجه کدگذاری برای اساتید و متخصصان ارسال گردید. پس از دریافت نظرات اصلاحی اساتید، کدگذاری مجدد انجام پذیرفت و پس از تایید اساتید و با مقایسه نتایج تحلیل اولیه با اهداف تحقیق، تغییراتی در سوالات چک لیست و هم چنین نحوه و اولویت پرسش آنها داده شد. سپس، فرایند چک کردن توسط اساتید، در تحلیل و کدگذاری هر مصاحبه تکرار شد و مصاحبه‌ها نیز تا زمان رسیدن به کفایت نظری و اشباع ادامه یافت.

تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار حرفه ای مکس کیودی ای 12 و با روش کد گذاری داده ها از نوع باز، محوری و انتخابی انجام پذیرفت .

الف) کد گذاری باز: کدگذاری باز بخشی از تحلیل است که در آن داده های مربوط به پدیده مورد مطالعه با بررسی دقیق نام گذاری و مقوله بندی می شوند . محصول این نام گذاری مفاهیم هستند که این مفاهیم از عناصر سازنده نظریه بنیانی محسوب می شوند [۱۷] . در این پژوهش واحد تحلیل جمله و پاراگراف بوده است .در این مرحله مفاهیم دارای ارزش علمی از متن گفته ها بیرون کشیده و برای هر کدام یک نام اختصاص داده شده است.

ب) کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری داده هایی که قبلاً در کدگذاری باز به مفاهیم و مقوله ها تجزیه شده بودند، با شیوه های جدید به یکدیگر پیوستند تا پیوندهای میان یک مقوله و مقوله های فرعی آن برقرار شود. این کار با بکارگیری یک مدل پارادایمی که شامل موانع، راهبردها و پیامدها می باشد انجام گردید. در این مرحله از کدگذاری پرسش هایی مطرح شد تا نوع رابطه بین مفاهیم مشابه را مشخص کند. این امر موجب شد تا مفاهیمی که امکان شکل دادن مقوله ای اصلی تر با یکدیگر را دارند شناخته شوند و هر کدام در یکی از این مقوله ها جای گیرند. پس از اتمام این مرحله مدل پارادایمی ترسیم شد.

ج) کدگذاری انتخابی: در کدگذاری انتخابی که فرایندی انسجام بخش است مقوله هسته ای یا محوری انتخاب و ارتباط آن با سایر مقوله ها و افزایش اعتبار این روابط با جستجوی موارد تصدیق یا عدم تصدیق انجام شد. در کدگذاری انتخابی، مقوله ها انسجام یافتند تا چارچوب نظری شکل بگیرد. پس از تعیین مقوله اصلی، طبق مدل پارادایمی مقوله های فرعی به مقوله های اصلی مرتبط شدند. سپس مدل نهایی تحقیق ترسیم و در آن ارتباط مقوله هسته ای با سایر مقوله ها نشان داده شد [۱۷] .

نتایج

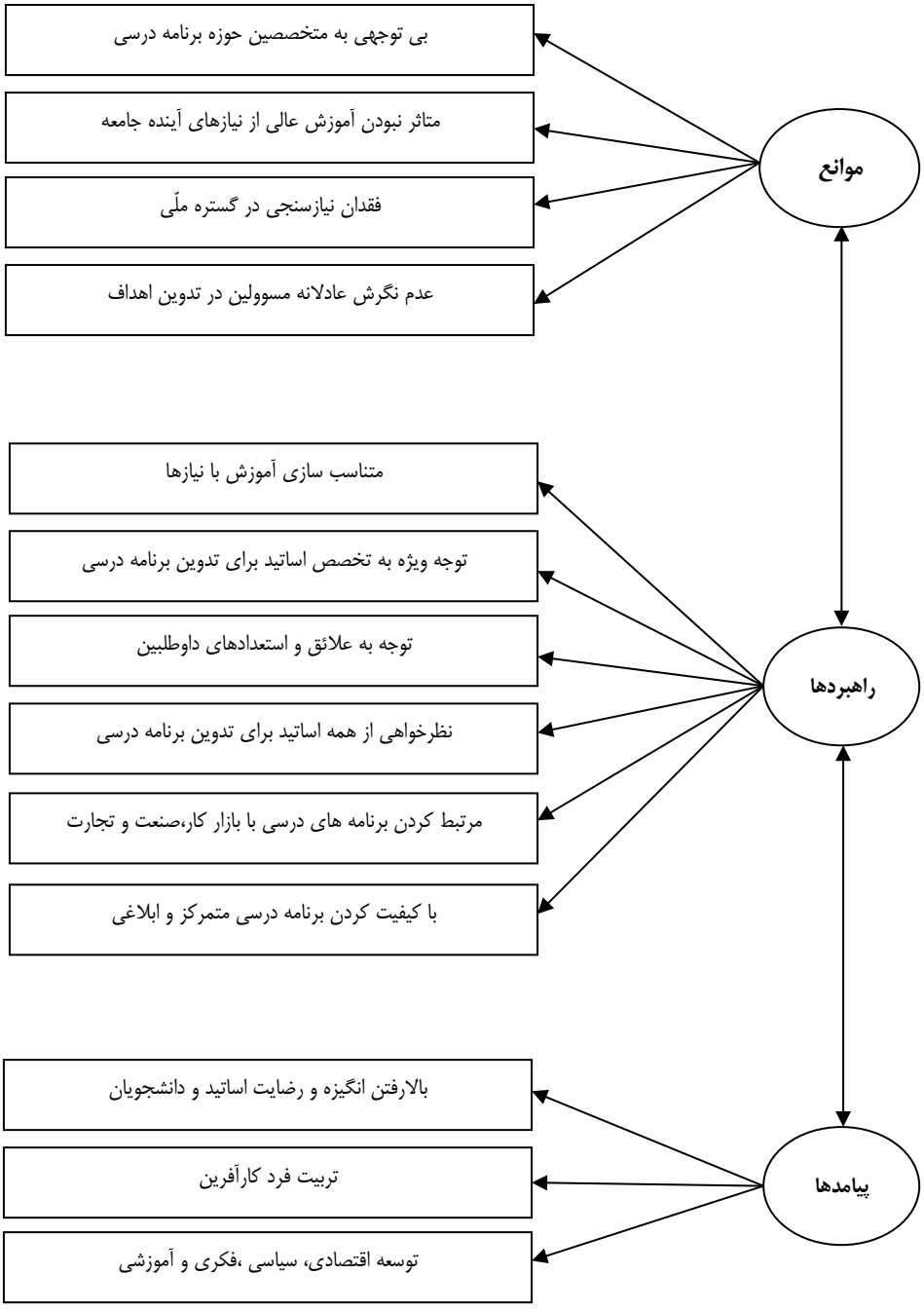
در کد گذاری باز مجموعا ۱۱۵ کد مفهومی ازتمامی نظرات مصاحبه شوندگان به دست آمد.مفاهیم به دست آمده با یکدیگر مقایسه شد و مفاهیمی که از لحاظ معنایی با یکدیگر تناسب داشتند و بر موضوع واحدی دلالت می کردند به صورت یک مقوله در آمدند و نامی برای آنها در نظر گرفته شد .سپس مفاهیمی که با هم مرتبط بودند در کنار هم قرارگرفتند و تشکیل مجموعه جدیدی را دادند . در کد گذاری محوری مفاهیم سطح دوم به دست آمدند . با این روند تعداد مفاهیم کاهش چشمگیری پیدا کرد. در آخرین مرحله، مقوله اصلی پژوهش یعنی تدوین اهداف در کد گذاری انتخابی شناسایی شد. برای ترسیم مدل پارادایمی ۱۱۵ کد به دست آمده به سه بخش موانع، راهبردها و پیامدها تقسیم شدند. تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص موانع ۱۶ و در سطح دوم به ۳ کد، در مبحث راهبردها از ۷۹ به ۶ کد و پیامدها از ۲۰ به ۳ کد تقلیل یافت.

نمودار ۱ یافته های تحقیق را در مدل پارادایمی نشان می دهد.

موانع

تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص موانع ۱۶ و در سطح دوم به ۳ کد تقلیل یافت که شامل: بی توجهی به متخصصین حوزه برنامه درسی، متاثر نبودن آموزش عالی از نیازهای آینده جامعه، فقدان نیازسنجی در گستره ملّی و عدم نگرش عادلانه مسوولین در تدوین اهداف، می باشد. به طور مثال مصاحبه شونده شماره ۱۰ اظهار می دارد: « آموزش عالی ما باید متاثر از دو فاکتور نیازهای آینده جامعه باشه یعنی رصد بکنه نیازهای آینده جامعه رو و عامل دوم مبتنی بر علایق و استعدادهای فراگیران باشه.هر دو عامل در حد بسیار ضعیف هست .فارغ التحصیلان دانشگاه نمیتونن جذب بازار کار بشن .یعنی یه آینده نگری خوبی در بخش رشته ها و تعداد نیاز به خوبی انجام نشده».همچنین مصاحبه شونده شماره ۲ عنوان می کند« موانعی که در تدوین اهداف برنامه درسی مبتنی بر عدالت آموزشی می تونیم در نظر بگیریم یکی بی توجهی

بـــه متخصصـــین حـــوزه برنامـــه درســـیه و دیگـــری اینکـــه مسوولین مـا مسـوولینی کـه در تـدوین اهـداف برنامـه درسـی سـهیم هسـتند نگـرش عادلانـه ندارنـد و دیـدگاه عـدالت محوری را رعایت نمی کنند ».



نمودار ۱. مدل پارادایمی برای تدوین اهداف برنامه درسی مبتنی بر عدالت آموزشی آموزش عالی ایران

راهبردها

تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص راهبردها از ۷۹ به ۶ کد تقلیل یافت که شامل: توجه به علائق و استعدادهای داوطلبین، مرتبط کردن برنامه های درسی با بازار کار،صنعت و تجارت، توجه ویژه به تخصص اساتید برای تدوین برنامه درسی، متناسب سازی آموزش با نیازها، با کیفیت کردن برنامه درسی متمرکز و ابلاغی، نظرخواهی از همه اساتید برای تدوین برنامه درسی، می باشد. به طور مثال مصاحبه شونده شماره ۴ بیان می کند « ما نمیتوانیم تمامی افراد را در لوای یک برنامه ثابت و یکسان قرار دهیم و بگویم عدالت آموزشی را رعایت کرده ایم. برنامه ها میتوانند برای افراد با استعدادها و توانایی ها و شرایط مختلف متفاوت باشد بنابراین یکی از اهداف برنامه درسی مبتنی بر عدالت ، شناخت فراگیران در هر مقطعی است و تهیه برنامه ای متناسب با نیازها و استعداد های آنان».مصاحبه شونده شماره

۷عنوان می کند« بالا بردن کیفیت برنامه درسی، اگه برنامه درسی ما متمرکز و ابلاغیه، برنامه درسی با کیفیتی باشه که به نظرم با تهیه فهرستی از اهداف وسرفصل های آموزشی و نه انتخاب محتوای آموزشی بتونیم به عدالت آموزشی برسیم. ما برای رعایت عدالت، سرفصل رو در اختیار دانشگاهها قرار بدیم و هر دانشگاه متناسب با موقعیت جغرافیایی خودش بهترین و خلاقانه ترین محتوا رو انتخاب کنه. درسته که باید آموزش باز باشه و گفتمان بین فراگیر با معلم درباره مباحث آموزشی در مرکز توجه باشه و مطمئنا یادگیری فعال می تونه بهترین باشه، ولی نبودن فهرست آموزش برای دانشگاهها خطر بزرگی برای عدالت آموزشی محسوب میشه». مصاحبه شونده شماره ۱۳ بیان می کند« برای تعیین اهداف برنامه درسی جدید باید از روشهایی استفاده کنیم که در اون نیازها و انتظارات جامعه، بازار کار،صنعت و تجارت از برنامه درسی مورد توجه قرار بگیره. در واقع هدف از آموزش پاسخگویی به نیازهای دانشجویان و جامعه است.بنابراین برای طراحی اهداف برنامه درسی بایستی نیازسنجی از خواسته های دانشجویان و جامعه مورد توجه باشه و هدفها با توجه به این نیازها انتخاب بشن».

پیامدها

تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص پیامدها از ۲۰ به ۳ کد تقلیل یافت که شامل: بالارفتن انگیزه و رضایت اساتید و دانشجویان، تربیت فرد کارآفرین و توسعه اقتصادی، منطقه ای، سیاسی، فکری و آموزشی، می باشد. به عنوان مثال مصاحبه شونده شماره ۵ بیان می دارد « هر چقدر آموزش عالی در شهرستانها و در سراسر کشور به طور عادلانه توسعه پیدا بکنه و اهداف اون بتونه عدالت در آموزش عالی رو برای فراگیران به طور عادلانه فراهم بکنه این علاوه بر اینکه میتونه توسعه رشد اقتصادی ایجاد بکنه می تونه باعث توسعه سیاسی ،فکری و آموزشی هم بشه». مصاحبه شونده شماره ۶ بیان می کند « مسلما از پیامدهای توجه به عدالت آموزشی در بحث اهداف، این میتونه باشه که با گنجاندن عدالت در اهداف برنامه درسی آموزش عالی، ما می تونیم شاهد توسعه منطقه ای ،بالا رفتن رضایت های فردی ، و انگیزه های دانشجویان و اساتید باشیم».

بحث

در پاسخ به سوال اول پژوهش (چه موانعی در تدوین اهداف برنامه درسی آموزش عالی برای توسعه عدالت آموزشی وجود دارد؟) یافته ها نشان می دهد که بی توجهی به متخصصین حوزه برنامه درسی، متاثر نبودن آموزش عالی از نیازهای آینده جامعه، فقدان نیازسنجی در گستره ملّی و عدم نگرش عادلانه مسوولین در تدوین اهداف، از جمله مواردی هستند که مانع توسعه عدالت آموزشی در آموزش عالی می شوند و مصاحبه شوندگان بر روی آن تاکید دارند. این یافته ها در راستای نتایج تحقیقات عباسی [۱۸] است که نتایج این پژوهش نشان داد هنوز تا عدالت همه جانبه آموزشی- تربیتی فاصله زیادی پیش رو داریم چرا که نابرابری های اجتماعی – اقتصادی – فرهنگی تاثیر زیادی روی عدالت آموزشی گذاشته و سایه سنگین تبعیض در عرصه آموزش مشهود است.همچنین با نتایج تحقیق اسمیت [۱۹] هم سو است که در پژوهش خود بیان می کند متاسفانه همه مراکز آموزشی برابر نیستند و عدالت آموزشی در آنها وجود ندارد و بنابراین دانش آموزان و دانشجویان به یک اندازه برابر آموزش برای زندگی را نمی بینند. نتایج مطالعه حاضر با یافته های پژوهش تنکابنی و همکاران [۲۰] تشابه دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که استفاده نکردن از نظرات متخصصین و صاحبنظران سایر حوزه ها در زمان برنامه ریزی درسی از موانعی است که تغییر دهندگان شیوه های هدف گذاری با آن روبرو هستند.

در پاسخ به سوال دوم پژوهش (چه استراتژی ها و راهبردهایی در تدوین اهداف برنامه درسی آموزش عالی موجب توسعه عدالت آموزشی می شوند؟)دانشگاه ها به عنوان یکی از سازمان های خدماتی که وظیفه مهم آموزش و ارتقای سطح علمی و فرهنگی کشور را به عهده دارند علاوه بر وظیفه خطیر، بایستی با ارتقای سطح کیفیت خدمات خویش، موقعیت خود را در جامعه علمی کشور تثبیت و بهبود ببخشند. بنا بر گفته مصاحبه شوندگان توجه به علائق و استعدادهای داوطلبین، مرتبط کردن برنامه های درسی با بازار کار،صنعت و تجارت، توجه ویژه به تخصص اساتید برای تدوین برنامه درسی، متناسب سازی آموزش با نیازها، با کیفیت کردن برنامه درسی متمرکز و ابلاغی، نظرخواهی از همه اساتید برای تدوین برنامه درسی، از جمله مواردی است که می تواند به توسعه عدالت آموزشی کمک نماید. یافته ها نشان می دهد توسعه عدالت آموزشی از طریق مرحله هدف گذاری نیز امکان پذیر است. یکی از اهداف اولیه نوشتن برنامه درسی برای هر رشته و هر مقطعی اطمینان از انتقال مفاهیم مورد تاکید به فراگیران است. با توجه به نیاز مبرم جامعه به عدالت آموزشی در کنار سایر مقولات، مصاحبه شوندگان اعتقاد داشته اند که تلاش برای توسعه عدالت آموزشی یکی از اجزای کلیدی برنامه درسی می باشد. برخی از صاحب نظران رشته برنامه درسی اعتقاد دارند که در زمان نیازسنجی برای برنامه درسی باید به نیازهای جامعه و دانشجویان توجه شود و دقت شود که دانشجویان و جامعه چه انتظاری از نظام آموزشی دارند و این نیاز در قالب برنامه درسی به فراگیران انتقال یابد. حالا اگر یکی از این نیازها را توسعه عدالت آموزشی در نظر بگیریم باید برنامه درسی نیز با هدف ارتقای آن نوشته شود. برنامه درسی آموزش عالی چنانچه به درستی هدف گذاری

شود قادر خواهد بود تا به هدف نهایی خود در راستای توسعه عدالت آموزشی دست یابد.

یافته های پژوهش حاضر با پژوهش های غربا، رحیمی و دهباشی [۲۱] ، تنکابنی و همکاران [۲۰] و کانینگام، ردریگز و جردن[۲۲] هم سو است.

غربا، رحیمی و دهباشی [۲۱] ، در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که توجه به نیازهای بازار کار، مشارکت اعضای هیات علمی دانشکده ها در طراحی برنامه های درسی، دادن اختیارات بیشتر به اساتید و مشارکت ذی نفعان در طراحی و تدوین برنامه ریزی درسی، از مهمترین راهکارها برای رفع شکاف بین برنامه درسی قصد شده و کسب شده در نظام آموزش عالی ایران و به عنوان امری ضروری در تحقق چشم اندازها و رسالت ها، می باشد.

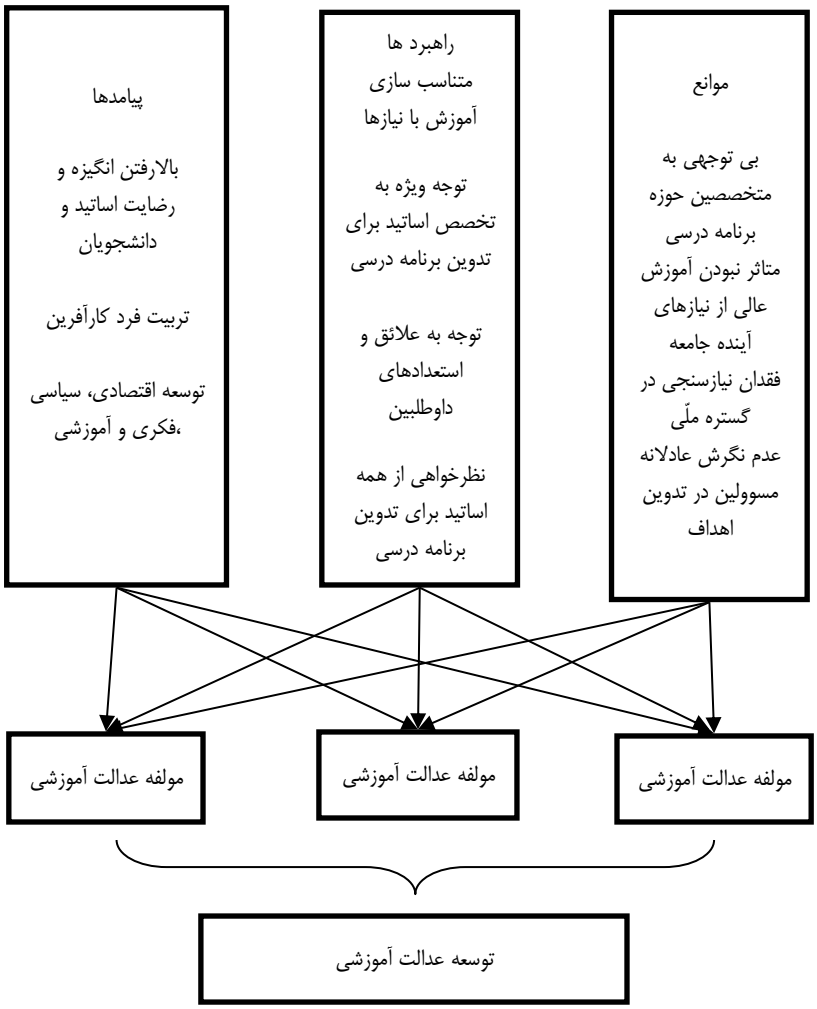
تنکابنی و همکاران [۲۰] در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که باید برای طراحی یک برنامه درسی مناسب، به افراد متخصص و صاحب نظر در حوزه برنامه ریزی درسی مراجعه کرد و از آنان خواست انتظارات خود را از یک برنامه درسی کارامد بیان کنند. همچنین معتقدند در زمان نیازسنجی برای برنامه درسی باید به نیازهای جامعه توجه شود. در صورت توجه برنامه درسی به نیازهای جامعه و گنجاندن آنها در برنامه درسی، تمامی شئون برنامه درسی بر برآورده کردن این نیازها متمرکز شده و دانشجو و استاد در مسیر مشخصی گام بر میدارند. کانینگام و همکاران [۲۲] معتقدند دانشجویان باید ایده های اصلی و شیوه های مربوط به علم آموزی را بیاموزند. برای انجام این کار، دانشجویان به برنامه درسی با کیفیت بالا و طراحی شده برای دستیابی به این اهداف نیاز دارند.

در پاسخ به سوال سوم پژوهش (پیامدهای حاصل از طراحی اهداف برنامه درسی آموزش عالی مبتنی بر عدالت آموزشی چه خواهد بود؟)یافته ها حاکی از آن است که برقراری عدالت آموزشی در آموزش عالی پیامدهای بیشماری را در بر می گیرد که با توجه به نظر مصاحبه شوندگان می توان به بالارفتن انگیزه و رضایت اساتید و دانشجویان، تربیت فرد کارآفرین و توسعه اقتصادی، منطقه ای، سیاسی، فکری و آموزشی، اشاره نمود. یافته ها نشان می دهد که تغییرات حاصل از طراحی یک برنامه درسی مبتنی بر عدالت آموزشی گسترده خواهد بود. تغییر در اجزای مختلف برنامه درسی وقتی کنار یکدیگر قرار گیرند نتیجه آن این خواهد بود که برنامه درسی به کلی متحول خواهد شد. یافته های پژوهش حاضر با پژوهش های آل آقا، کشاورز و رحیمی [۲۳] و سلیمانی، مهامین، قهاری حسینی و تاریرودی [۲۴] در خصوص پیامد توسعه اقتصادی، سیاسی، فکری و آموزشی تقریبا نیمی از مصاحبه شونده ها بر اهمیت این موضوع تاکید داشتند.همانطور که آل آقا و همکاران [۲۳] نیز معتقدند که سرمایه گذاری در آموزش عالی یکی از راههای اساسی برای دستیابی به نیروی ماهر و توسعهٔ اقتصادی-اجتماعی و سیاسی محسوب می شود. در خصوص پیامد تربیت فرد کارآفرین، اکثر قریب به اتفاق مصاحبه شونده ها نیز بر اهمیت آن اذعان داشتند. در این خصوص سلیمانی و همکاران [۲۴] در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که هرگونه تغییر و تحول سازنده ای در کشور، بدون توجه کافی به پرورش نیروی انسانی کارآمد و کارآفرین انجام شدنی نیست و نیروی انسانی کارآمد و کارآفرین در سایه ی عدالت آموزشی و فراهم ساختن فرصت های برابر آموزشی به بار خواهد نشست.

در پاسخ به سوال چهارم پژوهش(آیا می توان مدلی را برای تدوین اهداف مبتنی بر عدالت آموزشی در آموزش عالی طراحی نمود؟) مدل نهایی پژوهش که از تلفیق مقوله اصلی، موانع ، راهبردهای اجرایی و پیامدهای آن پدید آمده به شرح زیر تدوین شد.(نمودار شماره ۲)

به طور کلی در فرآیند برنامه ریزی درسی، انتخاب اهداف همواره از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا نخستین گام در تلاش برای زمینه سازی برنامه درسی، تحقق هدف هاست.علاوه بر این، تصمیم گیری درباره اهداف باید با توجه به غایات و وسایل در دسترس انجام گیرد و جنبه های مختلف آن بایستی منطقی و مدلل انتخاب شود. پورتیمور [۲۵] تحقیقی با عنوان "مقایسه عدالت آموزشی در آموزش و پرورش دوران انقلاب اسلامی و پهلوی دوم (باتاکید بر تخصیص انواع مدارس در مناطق مختلف)" انجام داد. نتیجه بررسی‌های بعمل‌آمده در سطح کشور نشان می دهد که، تلاش و حرکت جمهوری اسلامی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مسیر تحقق عدالت‌آموزشی بیشتر بوده است. اما، این به معنای تحقق عدالت آموزشی نیست؛ بلکه به معنای بهتر شدن شرایط آموزشی کشور در جهت تحقق عدالت‌آموزشی بوده‌است.لذا با توجه به اینکه شرایط برای تحقق عدالت آموزشی در کشور بهبود یافته است بایستی تغییراتی در اهداف برنامه درسی آموزش عالی لحاظ شود تا درجهت رسیدن به عدالت آموزشی در آموزش عالی گام برداریم.اما متاسفانه عدم نگرش عادلانه مسوولین در تدوین اهداف و محتوای برنامه درسی آموزش عالی، همچنین بی توجهی به متخصصین حوزه برنامه درسی، متاثر نبودن آموزش عالی از نیازهای آینده جامعه و فقدان نیازسنجی در گستره ملّی ، از جمله مواردی هستند که با توجه به نظرات مصاحبه شوندگان مانع توسعه عدالت آموزشی در آموزش عالی می شوند و در نهایت فارغ التحصیلانی تربیت می شوند که بازار کاری برایشان فراهم نیست؛ در صورتی که این موانع

برطرف شود پیامدهای حاصل از آن شامل بالا رفتن انگیزه و رضایت اساتید و دانشجویان، توسعه اقتصادی، سیاسی ،فکری و آموزشی و تربیت فرد کارآفرین می باشد.



نمودار ۲. طراحی مدل تدوین اهداف برنامه درسی مبتنی بر عدالت آموزشی آموزش عالی ایران

محدودیت‌های پژوهش

عدم اختصاص زمان کافی برای مصاحبه توسط برخی از مصاحبه شوندگان، همچنین بسیاری از درخواست‌ها به علت مشغله بالای اساتید بی پاسخ ماند.

پیشنهادات پژوهش

-در طراحی اهداف برنامه درسی، بایستی نیازسنجی دقیق به منظور شناسایی اطلاعات، دانش و مهارتهای مورد نیاز فراگیران با توجه به شرایط محیطی و اقلیمی در جهت تدوین برنامه‌های درسی کارآمد و پاسخگو انجام پذیرد.

-در سیاست‌گذاری‌های کلان نظام آموزشی به عدالت آموزشی توجه شود و مدیران و مسئولین دست‌اندرکار برنامه-ریزی درسی نسبت به عدالت آموزشی تغییر نگرش دهند و حساسیت بیشتری داشته باشند.

-پیشنهاد می‌شود ارزشیابی‌های مداوم جهت بازنگری و اصلاح مستمر اهداف برنامه‌های درسی بر اساس مقتضیات محیطی و برای رسیدن به عدالت آموزشی در آموزش عالی صورت گیرد.

نتیجه گیری

یافته های این پژوهش، حاکی از آن است که در حال حاضر در نظام آموزش عالی کشور، جای خالی عدالت آموزشی کاملا محسوس است. لذا برای دستیابی به عدالت آموزشی، بهتر است هنگام تصمیم گیری برای تدوین اهداف و بازنگری سرفصلها به علائق و استعدادهای داوطلبین توجه شود، ، آموزش متناسب با

نیازهای دانشجویان و جامعه باشد و نظرخواهی از همه اساتید با توجه ویژه به تخصص آنها برای تدوین برنامه درسی،صورت گیرد؛ چرا که نظرات اساتیدی که در همان منطقه زندگی می کنند و با نیازها و مشکلات منطقه خود آشنایی دارند می تواند جهت تدوین اهداف و محتوای مناسب و کاربردی شایسته باشد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از اساتید راهنما و مشاور که در فرایند انجام پژوهش نقش مؤثری داشتند تقدیر و تشکر می شود.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اعلام می دارند در این مقاله کلیه اصول اخلاقی رعایت گردیده و این مقاله برگرفته از رساله دکتری با کد تصویب ۲۰۵۲۰۶۰۳۹۶۲۰۱۴ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه می باشد.

سهم هر نویسنده

این پژوهش زیر نظر اساتید راهنما و مشاور توسط نویسنده اول انجام گردید. نویسنده دوم و سوم : که اساتید راهنما و مشاور می باشند و مسوولیت راهنمایی و مشاوره را به عهده داشتند.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می دارند دراین پژوهش، تضاد منافعی وجود نداشته است.

منابع

1. Sinnema C, Nieveen N & Priestley M. Successful futures, successful curriculum: What can Wales learn from international curriculum reforms?. The Curriculum Journal ۲۰۲۰; ۳۱(۲): ۱۸۱-۲۰۱.
2. Kamali H, Kamali Z, Boyei B. Higher Education Curriculum Process in Iran: Opportunities; Challenges. National Congress of Higher Education in Iran.2017.
3. Mohsenpour Kebria H , Fathi Vajargah k, Arefi M, Khorasani A. Explaining the Consequences of Promoting Curriculum Planning Culture in Iranian Universities and Higher Education Institutions, Journal of Curriculum Planning Research . 2017 ; 55 (١٤) : 52-66.
4. Yamani N , Shaterjalali M & Eghbali B.Educational justice from the perspective of postgraduate students in a medical school in Iran: A qualitative study. Research and Development in Medical Education. 2017; 6(1) : 23.
5. Jalalvandi M , Amirian P , Towhidnia M, Nemati Kiunani A. Assessing the Status of Educational Justice from the Perspective of Kermanshah Paramedical School Students in 2014, Journal of Medical Development and Education. 2017; 11(1) : 51-60.
6. Merry M. S. Justice and Education. In Educational Justice . Palgrave Macmillan, Cham.2020: 21-52.
7. Nouri A & Karimi Y. A phenomenological study on the meaning of educational justice for street children. Education, Citizenship and Social Justice . 2019;14(1): 57-67.
8. Medina, M. A., Murtadha, K. H., & Grim, J. Community Schools as a Vehicle for Social Justice and Equity. In Emerging Perspectives on Community Schools and the Engaged University. IGI Global. 2020: 80-97.
9. Orak J. Explaining and analyzing the concept of educational justice and its educational implications in the education system of Iran, PhD thesis, Shahid Chamran University of Ahvaz, Faculty of Educational Sciences and Psychology.2015.
10. Brighouse H. Justice in higher education: an odd view.In society of Applied philosophy meeting at the Eastern American philosophical Association. 2009 ;29(1).
11. Rich D. Academic leadership and the restructuring of higher education. New directions for higher education. 2006; (134): 37-48.
12. Alberg J. Kant's Concept of Providence on the Background of the German School pf Philosophy and Theology. 2010.
13. Sarmadi M. R, Masoumi Fard M. The place of educational justice in the evolution of the education system based on constructivism. Journal of Research in School and Virtual Learning . 2015; 3(10): 63-70.
14. Corbin J, Strauss A & Strauss A. L. Basics of qualitative research. Sage. 2014.
15. Keshavarzi M, Yarmohammadian M. H, Nadi M. A. Designing a Model of Teaching Methods Based on the Development of Futurology in Higher Education in Iran, Quarterly Journal of New Approach in Educational Management. 2017; 32(8) : 157-174.
16. Flik A. An Introduction to Qualitative Research. Translated by Hadi Jalili, Tehran: Publishing.2013.
17. Bazargan Harandi A. Introduction to Qualitative and Mixed Research Methods: Common Approaches in Behavioral Sciences, Tehran: Didar Publications. 2020.
18. Abbasi R. A Study of the Right to Educational Justice in the Transformation Document and Its Comparison with Jurisprudence and Law, Master Thesis, Adib Higher Education Institute - Mazandaran. 2018.
19. Smith, S. M. Communities Fighting Inequity in Schools. A Review of Lift Us Up, Don't Push Us Out!: Voices from the Front Lines of the Educational Justice Movement. Democracy and Education. 2019 ;27 (1): 12.
20. Tonekaboni F, Yousefi A, Keshti Arai N. Designing Goals Based on the Development of Social Capital in the Higher Education Curriculum of Iran, Bi-Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies. 2015; 11(6): 7-26.
21. Ghoraba M, Rahimi H, Dehbashi A. Educational break: the distance between the intended and acquired curriculum in the higher education system of Iran, two quarterly studies of higher education curriculum studies. 2018; 17(9) : 93-114.
22. Cunningham K, Rodriguez S & Jordan A. STEM identity development for Latinas: The role of self-and outside recognition. Journal of Hispanic Higher Education. 2019 ;18(3): 254-272.
23. Al-Agha F, Keshavarz M, Rahimi M. Quantitative growth trend of private and public higher education in the Islamic Republic of Iran, knowledge and research in educational sciences, curriculum planning. ۲۰۰۸ :20-73.
24. Soleymani M, Mahamin R, Ghahari Hosseini Kh, Tarirodi O. Management of Justice and Equality in Education, Fifth International Conference on Humanities

and Education with a Focus on Sustainable Development, Tehran. 2020.
25. Porteymour R. Comparison of educational justice in education during the Islamic Revolution and the second Pahlavi (with emphasis on the allocation of various schools in different regions), Master Thesis, Imam Khomeini Research Institute and the Islamic Revolution.2018.